



# بررسی مبانی الزام به ترمیم و جبران خسارت و روش‌های تعیین و ترمیم خسارت ناشی از معاملات باطل

محسن اناری<sup>۱</sup>

مظفر باشکوه<sup>۲</sup>

علیرضا لطفی دودران<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

## چکیده

با ورود خسارت به یکی از طرفین معامله به جهت بطلان معامله منعقد فی مابین، این امر به ذهن متبادر می‌گردد که این خسارت ناشی از بطلان معامله چگونه باید جبران گردد تا متضرر را در حالتی قبل از وقوع معامله قرار داده و از وی رفع خسارت کند. روش‌های ترمیم خسارت ناشی از معاملات باطل متعدد بوده و هر یک دارای شرایط و محاسن و معایب خاص خود می‌باشند و هر کدام از این روش‌ها دارای مبانی نظری، مبانی فقهی و مبانی حقوقی هستند. تعیین میزان خسارت یا به وسیله دادگاه است یا به وسیله قانون. روش‌های جبران خسارت شامل روش‌های سنتی و روش‌های نوین می‌باشد. روش‌های سنتی شامل جبران عینی، مثلی، نقدی، معنوی و پرداخت وجه التزام است. روش‌های نوین نیز شامل الزام به مفاد معامله باطل، تصحیح یا تبدیل معامله باطل، پرداخت ارزش روز عوض معامله، پرداخت ارزش قراردادی، پرداخت خسارت توسط بیمه و دولت است. در مقاله حاضر سعی بر این است تا به صورت توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی مبانی و روش‌های جبران خسارت بپردازیم.

**واژگان کلیدی:** قرارداد، الزام به ترمیم، جبران خسارت، معامله باطل.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. [judge\\_anari@iran.ir](mailto:judge_anari@iran.ir)

<sup>۲</sup> دکترای تخصصی گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول): [mozaffarbashokuh@gmail.com](mailto:mozaffarbashokuh@gmail.com)

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. [drlotfi1346@yahoo.com](mailto:drlotfi1346@yahoo.com)

## مقدمه

مطابق قاعده لاضرر؛ در اسلام حکم ضرری وجود ندارد و از این رو گفته شده است که "هیچ ضرری نباید بدون تدارک و جبران باقی بماند." بنابراین اگر شخصی به دیگری عمدا و یا سهوا و در اثر اهمال، کوتاهی و یا تعدی و تفریط و یا عدم رعایت نظامات دولتی ضرر و یا خسارتی وارد نماید می‌بایست از عهده ترمیم و جبران آن برآمده و شخص متضرر با ترمیم و جبران خسارت وارده مجددا در وضعیت و حالتی که قبل از ورود خسارت قرار داشته قرار گیرد و اعاده به وضع و حالت سابق شود.

وقتی قرارداد و یا معامله‌ای باطل تلقی گردد و از قبال بطلان و عدم اجرای مفاد آن ضرر و یا خسارتی به شخصی وارد آید، از آنجایی که در هنگام ورود ضرر، دیگر قرارداد و یا معامله‌ای وجود ندارد که بتوان با استناد به آن مطالبه خسارت و یا ضرر نمود فلذا در خصوص جایگاه بحث و موضوع باید گفت که موضوع در حیطه مسولیت مدنی بوده و از شمول مسولیت قراردادی خارج می‌باشد. هرچند در مواردی ما به جهت تبیین کامل مباحث ناگزیر از رجوع به مسایل و احکام مسولیت قراردادی خواهیم بود.

جبران و ترمیم خسارت از آنجا که هدف اصلی و اساسی مسولیت مدنی می‌باشد به فراخور در کتب‌ها و مقالات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته ولی نوشته مستقلی در این خصوص که به نحو اختصاص در خصوص مبانی و روش‌های جبران و ترمیم خسارت ناشی از بطلان معاملات باشد وجود ندارد و همین موضوع و نیاز به تبیین این امر مهم در خصوص نحوه جبران خسارت وارده در معاملات باطل که مورد مناقشه در محاکم قضایی بوده و حتی طی سال‌های اخیر دو رای وحدت رویه در این خصوص صادر گردیده انگیزه نگارش مقاله پیش رو را فراهم گرداند.

شیوه‌های ترمیم خسارت ناشی از معاملات باطل مثل رد عین، رد مثل، پرداخت قیمت (قیمت قراردادی یا قیمت یوم‌الرد)، خسارت تاخیر تادیه، تئوری رابطه دینی، از بین بردن منبع ضرر، حکم به اجرای قرارداد باطل می‌باشد در اینجا می‌بایست بررسی و کاوش گردد که چه روش‌ها و شیوه‌هایی برای جبران خسارت یا ضرر وجود دارد و اینکه قانونگذار کدام روش‌ها را جایز دانسته و احکام و شرایطی را برای آنان مقرر داشته است. نهایتاً با بررسی و تفحص مبانی الزام به ترمیم و جبران خسارت نسبت به تحلیل روش‌های تعیین و ترمیم خسارت ناشی از معاملات باطل می‌پردازیم.

## ۱- مبانی الزام به ترمیم و جبران خسارت معامله باطل

به منظور بررسی شیوه‌های ترمیم و جبران خسارات ناشی از معاملات باطل می‌بایست مبانی الزام به ترمیم و جبران خسارت را مورد بررسی و تفحص قرار دهیم. در قسمت اول، به مبانی نظری که مشتمل بر نظریه‌های تقصیر، خطر، مختلط و تضمین حق است می‌پردازیم و در ادامه به مبانی فقهی و حقوقی آن خواهیم پرداخت.

### ۱-۲- نظریه تقصیر

بر مبنای این نظریه وجه اصلی مسئولیت عامل فعل زیان بار در قبال زیان دیده، تقصیر او است. طرفداران این نظریه عامل زیان را اقناع و ارضاء وجدانی نموده و به او خاطر نشان کنند که این وجدان او است که او را مسئول جبران ضرر می‌داند و حکم قانون گذار به مسئولیت و لزوم جبران ضرر توسط او مطابق با حکم وجدان است؛ به عبارتی این نظریه به انگیزه‌های درونی و باطنی فرد نیز اصالت می‌دهد. نظریه تقصیر بر اصل برائت استوار است که بر مبنای آن " اصل بر برائت است مگر این که خلاف آن ثابت شود." بر این اساس، عامل زیان از تقصیر بری است، مگر آن که زیان دیده بتواند تقصیر او را ثابت کند. با پذیرش نظریه تقصیر شخصی، زیان‌هایی که از طرف مجانبین، صغار غیر ممیز، مکره و مضطر به افراد دیگر وارد می‌شود، بدون جبران می‌ماند زیرا هیچ تقصیری را نمی‌توان متوجه یک فرد دیوانه یا یک خردسال نمود و در این صورت است که خسارت زیان دیده برای همیشه بدون جبران می‌ماند (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۹۶).

در تعریف فوق واژه «تقصیر» نقش کلیدی و بار حقوقی داشته و نیاز به تفسیر دارد. در این ارتباط، قانون مدنی در ماده ۹۵۳ تقصیر را چنین تعریف نموده است: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی» این قانون در ماده ۹۵۱ توضیح می‌دهد که: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» و در ماده ۹۵۲ تصریح می‌نماید: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف، برای حفظ مال غیر لازم است».

بنابر نظریه تقصیر، زیان دیده زمانی می‌تواند به حق خود برسد که ثابت نماید عامل زیان مرتکب تقصیر و خطایی شده و زیان وارده به وی نتیجه مستقیم تقصیر عامل زیان است؛ لیکن اثبات تقصیر توسط زیان دیده که معمولاً از اقرار ضعیف تر جامعه است دشوار یا غیر ممکن می‌باشد. همچنین اگر عامل زیان که معمولاً از امکانات و قدرت بیشتری برخوردار است، ثابت نماید تقصیر و کوتاهی مرتکب نشده و کلیه اقدامات لازم و معمول را انجام داده، خسارت زیان دیده‌ای که قصوری نداشته بدون جبران خواهد ماند که بر خلاف روح عدالت و انصاف است. در

برخی سیستم‌های حقوقی چنان چه عامل زیان دارای قوه تشخیص و تمیز و قابلیت انتساب تقصیر نداشته باشد (مانند صغیر غیر ممیز و مجنون)، مسئولیتی وجود نخواهد داشت تا خسارتی جبران شود (عسگرزاده، ۱۳۹۵: ۸۲).

### ۱-۳- نظریه خطر

با توجه به کاستی‌های و مشکلاتی که نظریه تقصیر دارد دو نفر از حقوق‌دانان فرانسوی به نام‌های سالی و ژوسران نظریه خطر را ارائه کردند.

در نظریه خطر دو بعد وجود دارد: نخست بعد نفی کننده و دیگری اثبات کننده. جنبه نفی کننده این نظریه عبارت از این است که برای تحقق مسئولیت اثبات تقصیر هیچ ضرورتی نداشته و این شرط باید حذف شود. «سالی» معتقد است رابطه مسئولیت مدنی، آن چنان که حامیان نظریه تقصیر اعتقاد دارند رابطه بین دو شخص و ناشی از عوامل باطنی و روانی مانند وجدان و قصد و نیت نیست، بلکه رابطه بین دو دارایی است که رابطه‌ای غیر شخصی و نوعی است. جنبه اثباتی نظریه این است که ملاک و مبنای جایگزین اثبات تقصیر پاسخ‌گویی شخص در قبال اعمال خویش است؛ اعم از این که او مرتکب تقصیر شده باشد یا نشده باشد؛ اعم از این که او از کرده خود پشیمان باشد یا به آن افتخار کند. بنابراین صرف انجام عمل زیان‌بار موجب احراز مسئولیت عامل زیان است و اثبات تقصیر هیچ ضرورتی ندارد.

اختلاف نظر و مجادلات حامیان نظریه تقصیر با نظریه خطر منجر به پیدایش چندین رویکرد در راستای تأیید مبانی نظریه خطر شد که از آن جمله می‌توان «نظریه مطلق خطر، نظریه خطر ناشی از عمل نا متعارف، نظریه خطر ناشی از انتفاع مادی و نظریه تقصیر نوعی» را نام برد که در آن‌ها به نتیجه عمل اصالت داده شده نه علت عمل (حسینی نژاد، ۱۳۷۰: ۱۳).

در نظریه خطر نقش «فعالیت و مالکیت» عامل زیان پر رنگ است. هر کس که در اثر فعالیت سودآور خود (خواه زندگی روزمره، خواه فعالیت حرفه‌ای و...) خطرهایی ایجاد می‌کند و موجب زیان‌دیدگی می‌شود، مسئول و ملزم به جبران خسارت‌های وارده است. بر پایه این نظریه مترقی «چنان چه در اثر عمل سودآور شخص یا اشخاص وابسته به او یا اشیاء تحت تصرف یا مالکیت او خسارتی به دیگران وارد شود، عامل زیان مسئول و ملزم به جبران آن است؛ مگر این که بتواند خلاف آن را ثابت نماید. یعنی بر خلاف نظریه تقصیر که اثبات تقصیر به عهده زیان‌دیده بود در این نظریه اصل بر مسئول بودن عامل زیان است و اثبات خلاف آن نیز به عهده خود او است.

نتیجه این که هر شخصی که به هر دلیلی از جمله بهره‌مندی خود، فعالیت نموده و خطر ایجاد می‌کند چون از منافع این فعالیت بهره مند می‌شود ضرورتاً می‌بایست ضرری را که از این طریق متوجه دیگران می‌شود تقبل نماید.

#### ۱-۴- نظریه‌های مختلط

با بررسی نظریه تقصیر و نظریه خطر با این امر مواجه می‌شویم که هیچکدام از نظریه‌های اخیر پاسخ‌گوی مشکلات این حوزه در برخی از موارد نیستند. به همین دلیل به دنبال انتقادات وارده به دو نظریه یاد شده و عدم جامعیت هر دو رویکرد، نظریه‌پردازان هر دو طیف قانع شدند نظریه مورد قبول آن‌ها در کنار نظریه رقیب مبنای مسئولیت قرار گیرد. به عنوان مثال حامیان نظریه تقصیر در برخی موارد از جمله مسئولیت مدنی ناشی از حوادث کار، نظریه خطر را به عنوان مبنای مسئولیت پذیرفتند. البته اختلاف آن‌ها در قلمرو حاکمیت هر نظریه باقی مانده است. حامیان نظریه تقصیر معروف به «مازوها» معتقدند اصل بر تقصیر است مگر در موارد استثناء. یعنی نظریه خطر صرفاً باید در مواردی مبنای قرار گیرد که تقصیری وجود نداشته باشد یا قابل اثبات نباشد.

یکی از اولین طرح کنندگان نظریه خطر بنام ژوسران نظر خود را این گونه تعدیل کرد که: «مسئولیت مدنی ناشی از عمل شخص، مبتنی بر تقصیر و مسئولیت ناشی از اشیاء و اموال تحت تصرف و اختیار شخص، مبتنی بر نظریه خطر است». نتیجه این که علی‌رغم پذیرش هر دو نظریه توسط حقوق‌دانان خارجی، اختلاف بر گستره قلمرو هر کدام به قوت خود باقی است (عسگرزاده، پیشین، ۸۸).

#### ۱-۵- نظریه تضمین حق

نظریه تضمین حق را می‌توان شکل دیگری از نظریه خطر دانست. بر پایه این نظریه، مبنای و شالوده مسئولیت مدنی افراد و بنگاه‌ها و سازمان‌ها در شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی به نظریه خطر و تقصیر محدود و منحصر نیست. به نظر پروفیسور بوریس استارک حقوق‌دان فرانسوی هر کس حق دارد در جامعه به شیوه‌ای سالم، ایمن و مطمئن زندگی کند و حقوق انسانی او مورد تضمین قرار گیرد. هیچ کس حق ندارد سلامت، ایمنی و حقوق دیگر هم‌نوعان خود را به خطر اندازد. به محض این که حقی از بین رفت و خسارتی به کسی وارد شد، عامل زیان ملزم به

جبران آن است و همین الزام و تعهد به جبران زیان، شالوده مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد و آن را به وجود می‌آورد.

حُسن بزرگ این نظریه آن است که بر تضمین حقوق افراد زیان‌دیده و حمایت قانونی از آنان توجه و تأکید دارد و ایراد وارده به این نظریه جانبداری افراطی از زیان‌دیده و سلب حق اثبات بی‌گناهی از عامل زیان می‌باشد. با این حال دانشمند یاد شده علت این نگرش را برتری «حقوق جسمانی و جانی» افراد بر «حقوق اقتصادی و معنوی» آن‌ها دانسته و بین این دو گروه حق، تفاوت قائل می‌شود. او معتقد است که در هر صورت باید خسارت‌های بدنی جبران شود ولی جبران خسارت‌های اقتصادی و معنوی موکول به اثبات تقصیر عامل زیان است (همان، ۹۱).

با مقایسه کردن نظریه فوق‌الذکر دکتر ناصر کاتوزیان بیان می‌دارد: گرچه نظریه تضمین حق نیز در به وجود آوردن مسئولیت مدنی نقش مؤثر و مهمی دارد اما هیچ‌کدام از نظریه‌های بیان شده نمی‌توانند به تنهایی و منحصرأً مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرند. "در این نظر آنچه مهم است و اهمیت دارد رسیدن به عدالت می‌باشد" و این ابزارهای منطقی تنها وسایل راهگشایی به این هدف می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

## ۲- مبانی فقهی الزام به ترمیم و جبران خسارت معامله باطل

حال که با مبانی نظری الزام به جبران و ترمیم خسارت به نحو منجز و خلاصه آشنا گردیدیم لازم است برای درک عمیق‌تر این الزام در ادامه به بررسی مبانی فقهی این الزام از جمله قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب، احترام مال مومن، علی‌البد، غرور، ما یضمن، درک و انصاف بپردازیم.

### ۲-۱- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از مشهورترین قواعد فقهیه است که بوسیله آن در بسیاری از ابواب فقه چه از عبادات و چه از معاملات استدلال می‌شود. این قاعده دلیل واحدی است که برای مسایل عدیده مورد استفاده واقع می‌گردد. به همین علت فقها آن را جداگانه مورد بحث قرار داده‌اند و بسیاری از بزرگان علماء متاخر در مورد آن رسالات مستقلی نوشته‌اند که در آن رسالات وضعیت قاعده را از حیث معنا و مفهوم، مدرک، فروع و نتایج روشن ساخته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۲۸).

قاعده لاضرر به معنی نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است (مشکینی، ۱۳۸۲، ۳۰۲). خداوند در آیه ۲۳۳ سوره بقره صراحتاً با عبارت " لا تضار والده بولدها و لامولود له بولده " پدرها و مادرها را از ضرر رساندن به فرزندانشان نهی کرده است. با تفسیر این آیه متوجه

می شویم که ضرر رساندن هر کس به دیگری ممنون و ناروا می باشد. معروف ترین حدیثی که در خصوص قاعده لاضرر وجود دارد حدیث "لا ضرر و لا ضرار" می باشد که در داستان سمره بن جذاب بیان گردیده است.

از آنجایی که مطابق قاعده لاضرر اسلام هر گونه ضرر و اضرار را نفی و ممنوع کرده لذا در خصوص موضوع مقاله پیش رو نیز از آنجایی که با بطلان معامله ضرر و خسارتی به یکی از طرفین معامله وارد می شود و این ضرر و خسارت ناروا می باشد لذا این ضرر که مورد نفی قرار گرفته و می بایست به هر نحو جبران و ترمیم شود.

## ۲-۲- قاعده اتلاف

در صورتی که کسی مال دیگری را به طور مستقیم و به مباشرت تلف کند، اتلاف نامیده می شود. بنابراین در صورتی که غیر مستقیم سبب و زمینه تلف را فراهم کند، اتلاف به تسبیب نامیده می شود. در مورد شمول قاعده اتلاف و تسبیب نسبت به تقویت منافع مسلم در اثر نقض تعهد برخی بر این اعتقادند که این دو قاعده ناظر به تلفیق این اموال موجود و مسئولیت قهری می باشد و ارتباطی به مسئولیت قراردادی ندارد چرا که در مسئولیت قراردادی بیشتر مسئله تقویت منافع مطرح است و تقویت منافع مورد انتظار از قرارداد تقویت عین مال موجود محسوب نمی شود.

در منابع فقهی نیز تفکیکی در این خصوص صورت نگرفته است هر چند مشهور فقها خسارت قابل مطالبه را منحصر در تلف عین مال می دانند اما برخی فقها نیز با نظر مشهور موافق نیستند و دامنه مسئولیت را به عدم النفع سرایت داده اند. از نظر این تعداد تقویت منافع مسلم از نظر عرف، تلف مال و ایراد ضرر و خسارت تلقی می شود. همچنین برخی از فقهای معاصر نیز در قرارداد مزارعه در موردی که زارع زراعت را ترک می کند تا این که مدت مقرر در مزارع منقضی می شود، نظری را مطرح می کنند که با استناد به قاعده اتلاف، زارع نسبت به سهم مالک زمین، ضامن است چرا که زارع با ترک زرع، مال غیر را اتلاف نموده است (وطنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

## ۲-۳- قاعده تسبیب

برخلاف احادیثی مانند «حرمه مال المسلم کحرم دمه» یا «کل المسلم علی المسلم حرام دمه و ماله و عرضه» که در برگزیده احترام به اموال و حقوق مسلمین است و قاعده «لا ضرر و

لاضرار» که در بردارنده نهی مسلمین از رساندن ضرر به یکدیگر می‌باشد و از سوی دیگر نیز این احادیث دلالتی بر ضمان شخص زیان زنده نداشتند، احادیثی نیز وجود دارند که مستقیماً دلالت بر حکم ضمان شخص زیان زنده می‌باشد.

طبق فرمایش امام صادق (ع) در این خصوص روایاتی وجود دارد: «کل شی یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه» و «کل من اضر بشی من طریق المسلمین فهو ضامن له». بنابراین برخی از فقها مانند میر عبدالفتاح مراغه‌ای در کنار استدلال به قاعده لا ضرر، به این احادیث نیز استناد کرده و حکم به ضمان شخص زیان زنده و لزوم جبران کلیه خسارات وارد کرده است. البته باید توجه داشت که این احادیث در بردارنده یکی از موجبات ضمان که همان تسبیب است می‌باشد و موجبات ضمان به مقوله فعل زیانبار مرتبط می‌باشد و هیچ ارتباطی با خسارت ندارد. بنابراین صراحت و کلیت به مقوله فعل زیانبار و نه خسارت قابل جبران بر می‌گردد و نمی‌توان از صراحت و کلیت این حدیث برای اثبات اصل قابلیت جبران کلیه خسارات استفاده کرد (خادم سربخشی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰).

## ۲-۴- قاعده احترام مال مومن

فقها از آیات قرآن کریم از جمله آیه «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا أن تكون تجاره عن تراض» و روایات وارده همچون حدیث مشهور نبوی «حرمه مال المسلم كحرمه دمه» و «کل المسلم حرام دمه و مال و عرضه» حرمت حقوق فطری و مكتسبه مردم و ضمان ضرر زنده به این حقوق را به طور کلی استنباط نموده‌اند و حکم به جبران کلیه زیان‌ها و خسارات ناروا داده‌اند (همان، ۳۹).

## ۲-۵- قاعده علی الید

قاعده ید از اسباب ضمان قهری و بیانگر لزوم جبران خسارت می‌باشد و یکی از منابع و مبانی مسئولیت مدنی محسوب می‌شود به طوری که در تمام ابواب معاملات جریان دارد و شبهات حکمی و موضوعی را هم شامل می‌شود.

فقها عمده‌ترین دلیل قاعده علی الید را بر مبنای حدیث نبوی مشهور: «علی الید ما اخذت حتی تؤدی» می‌دانند و دو احتمال را درباره مفاد این حدیث در نظر گرفته‌اند: احتمال اول اینکه این روایت در مقام بیان حکم تکلیفی حفظ مال دیگری است و به عبارت دیگر وجوب رد مال را به صاحب اصلی آن متذکر می‌شود. این احتمال اگرچه قابل اعتنا است اما در واقع دلیل التزامی



ضمان محسوب می‌شود. احتمال دوم بر این مبنا است که مفاد روایت، انشای حکم وضعی یا زمان مسمی به مانند توافق طرفین یا ضمان حقیقی مانند پرداخت مثل یا قیمت است که این احتمال منطقی‌تر به نظر می‌رسد زیرا طبق روایات نشان می‌دهد که شارع با این بیان خواسته است متصرف را به استرداد مال غیر متعهد سازد به گونه‌ای که وی ضامن تلف یا نقصان آن باشد.

از ادله دیگر قاعده علی الید سیره و بنای عقلا است. اگر کسی بدون رضایت مالک درمان او تصرف کند ضامن است از طرفی شارع مقدس از این سیره منع نکرده است. بنابراین می‌توان گفت که شارع نیز همراه عقلا متصرف مال غیر را ضامن می‌داند با این سیره ضمان ید ثابت می‌شود و در مواردی که نسبت به مصادیق قاعده شکی به وجود بیاید باید به قدر متیقن اکتفا کرد و از کلیت آن برداشت کرد (باقری و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۰).

## ۲-۶- قاعده ضمان غرور

برخی از حقوقدانان ضمن اشاره به ضمان غرور آن را مبتنی بر مبانی تقصیر دانسته‌اند. به عنوان مثال در به هم زدن نامزدی بدون علت موجه، نامزدی که آن را بر هم زده به دلیل تقصیر مسئول جبران خسارت می‌گردد. هرگاه تقصیری به اغواکننده نسبت داده شود غرور محقق می‌شود هرچند که او قصد فریب را نداشته باشد و از حقیقت نیز آگاه نباشد ولی هر گاه نتوان تقصیری را به او نسبت داد غرور تحقق نمی‌یابد.

به عقیده برخی، زمانی که غرور بر اساس اضرار به غیر و تسبیب باشد صدق عنوان عرفی کافی است و این مسئله دلالت بر آن دارد که غرور با نظریه خطر نیز هماهنگی دارد زیرا غرور از مصادیق تسبیب می‌باشد و تنها رابطه عرفی بین عمل سبب و ورود زیان دارای اهمیت است. در نظام حقوقی ایران این مسئله به صورت صریح بیان نشده است که در مبانی نظریه مسئولیت غار بر کدام یک از نظریات استوار باشد.

در متون فقهی در عنوان اغرا، قصد و عمد لازم نیست و گرنه هنگامی که طرف مقابل جاهل به واقعه باشد به تقصیر به عنوان رکن قاعده غرور نمی‌توان استناد کرد. در برقراری رابطه سببیت بین عمل، ترک فعل و لفظ غار با زبان‌های وارده به عمل غار توجه می‌شود و بر این امر استوار می‌شود که زبان‌ها از نظر عرفی به غار نسبت داده شود. بنابراین غرور با نظریه تقصیر هماهنگی بیشتری دارد و غار در شرایطی مرتکب تقصیر می‌شود زیرا هرچند موظف است طوری رفتار کند که موجب احراز نشود ولی به نظر می‌رسد که توجیه ضمان غرور بر اساس نظریه تقصیر با مبانی

کلاسیک سازگاری بیشتری دارد زیرا علاوه به تقصیر ارکان دیگری همچون ورود خسارت نیز باید اثبات شود (بندک، ۱۳۹۲: ۴۰).

## ۲-۷- قاعده ما یضمن به صحیحه یضمن بفاسده

این قاعده در بحث جبران خسارت ناشی از بطلان قرارداد مطرح است. عده‌ای از فقها این قاعده را صرفاً شامل عقود دانسته و ایقاعات را مشمول این قاعده نمی‌دانند و معتقدند در عقودی که مالی به ازاء دیگری داده می‌شود و بر فرض صحت مجانی نیست، در صورت فساد آن نیز مجانی نخواهد بود.

این قاعده از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول جنبه اثباتی و قسمت دوم جنبه نفی دارد. برخی معتقدند که هر عقدی که صحیح آن خسارت طلب و نقص مال را برعهده طرف مقابل قرار می‌دهد، باطل آن هم خسارت تلف و نقص مال را بر عهده وی قرار می‌دهد و هر عقدی که صحیح آن متصرف، خسارت طلب و نقص مال را تحمل نکند در حالت فاسد آن نیز متصرف خسارت تلف و نقص مال را تحمل نمی‌کند.

طبق این دیدگاه تمام عقود تملیکی که شامل معوض و مجانی است مشمول اصل قاعده قرار گرفته و ضمان آور خواهد بود زیرا مال در هر دو دسته از عقود تملیکی به مالکیت قابض در می‌آید و خسارت نیز باید از مال او خارج شود ولی در قاعده ما یضمن آنچه به ذهن متبادر می‌شود لزوم تدارکات مال توسط شخص دیگر است که در دیدگاه دوم منعکس شده است که بیان می‌دارد اصل و عکس قاعده تدارک و جبران مال و رد عوض است. یعنی هر عقدی که در آن قابض مکلف به رد عوض و تدارک مال است در صورت فساد آن نیز ملزم به رد بدل به طرف مقابل است.

بدین ترتیب عقود تملیکی معوض تحت شمول اصل قاعده و عقود تملیکی مجانی و نیز عقود ازنی در عکس قاعده قرار می‌گیرند. بنابراین در صورت فساد عقد، قابض موظف به رد عوض واقعی است. ماده ۳۶۶ قانون مدنی اظهار می‌دارد که هرگاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند باید آن را به صاحبش رد کند و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود که بر این اساس جبران خسارت و تلف مال بر عهده وی می‌باشد (نوروزی نژاد، ۱۳۹۶: ۶۷).

## ۲-۸- ضمان درک

برخی واژه درک را در معنای بدل به کار برده‌اند و برخی دیگر آن را به معنای خسارت می‌دانند.

حال آنکه درک در اصطلاح به عنوان مثال ظلم و نقصانی است که از ناحیه مبیع در فرضی که مبیع مال غیر در آید بر مشتری وارد می‌آید یا از ناحیه ثمن در صورتی که ثمن ملک دیگری بوده متوجه بایع می‌شود.

برخی از حقوقدانان ضمان درک را چنین تعریف کرده‌اند: درک در لغت به معنای قهر شی و لحوق و تبعه و بدل است و در اصطلاح حقوقی به مسئولیتی که برای بایع در مستحق للغیر درآمدن مبیع حاصل می‌شود اطلاق می‌گردد.

به عقیده محقق داماد ضمان درک در جایی مطرح می‌شود که بیع به علت آنکه احد عوضین، مال طرف معامله نبوده و صاحب واقعی آن هم به معامله رضایت نداده است، محکوم به فساد می‌باشد و طرف دیگر هم آن مال را قرض کرده است. از مطالب گفته شده مشخص می‌شود که مبنای ضمان در ضمان درک، تصرف بدون مجوز شرعی می‌باشد لذا منظور از ضمان درک آن است که اگر در یک عمل حقوقی معوض یکی از عوضین، مال غیر درآید طرفی که در ازای دادن آن، چیزی گرفته باشد، باید بازگرداند. پس موضوع ضمان درک اختصاص به مال غیر در آمدن مبیع در عقد مبیع نداشته و به نظر می‌رسد از قواعد عمومی معاوضات است گرچه در ذیل مقررات عقد بیع آمده است (یونسی، ۱۳۹۵: ۱۰).

## ۲-۹- قاعده انصاف و عدالت

لزوم رعایت قاعده عدل و انصاف و قسط در حق دیگران از اموری است که عرف، عقل، اجماع، آیات و روایات بر آن تاکید ورزیده‌اند و در هر مورد از امور زندگی باید رعایت گردد. رعایت این قاعده هنگامی که ارزش پول کاهش شدیدی پیدا کند در صورتی ممکن است که ملاک و معیار در بازپرداخت، قدرت خرید حقیقی پول باشد و گرنه از قلمرو عدل و انصاف خارج شده و دچار ظلم واقع می‌شود. بی بهره ساختن زیان دیده از توان خرید پیشین پول بر خلاف عدل و انصاف می‌باشد.

هرچند قاعده عدل و انصاف از قواعد اساسی شریعت اسلامی می‌باشد ولی باید در نظر داشت که ضرری که متوجه داین است اگر بر مدیون تحمیل شود عادلانه نیست و جبران کاهش ارزش پول جایز نمی‌باشد مسئله ما بر محور ادای حق مستحق است و در دیون قطعاً باید به عدل و انصاف رفتار نمود.

مسئله مورد بحث بر محور ضرر بر داین یا مدیون نیست بلکه فقیهان جهت رعایت قاعده عدل و انصاف گفته‌اند که اگر مالی قرض داده شود یا غصب گردد و یا تلف شود، اگر قیمی است

باید قیمت آن و اگر مثلی است باید مثل آن را به عنوان عوض به جهت رعایت قاعده عدل و انصاف پرداخت کند. قاعده قیمی و مثلی در واقع ضابطه عرفی رعایت قاعده اساسی عدل و انصاف می‌باشد پس در حالتی که مدیون مازاد بر ارزش مبادله ای بپردازد، مدیون ضرر کرده و داین سود می‌برد که این ربا می‌باشد و بر خلاف عدل و انصاف خواهد بود (همان، ۹۴).

### ۳- مبانی حقوقی الزام به ترمیم و جبران خسارت معامله باطل

اصل تناسب میان ضرر و شیوه جبران آن، اصل جبران کامل خسارت، تئوری رابطه دینی، از بین بردن منبع ضرر، صلح قهری، اختیار مقام قضایی و مصلحت‌گرایی از جمله مبانی حقوقی الزام به ترمیم و جبران خسارت می‌باشد که در ذیل این عنوان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱- اصل تناسب میان ضرر و جبران آن

بر اساس مطالب گفته شده اضرار کاستن از دارایی شخص یا جلوگیری از افزایش آن به هر طریق است و میزان ضرر تفاوت میان دارایی فعلی زیان‌دیده و دارایی قبلی او در صورت رخ ندادن فعل زیانبار است. ضرورت تناسب ضرر و شیوه جبران آن امری عقلایی و عادلانه می‌باشد و با توجه به هدف مسئولیت مدنی که برقراری مجدد عدالت میان زیان‌دیده و فاعل زیان است باید روشی را انتخاب کرد که نزدیکترین طریق برای نیل به این هدف باشد. در واقع تلاش‌هایی که حقوقدانان و فقها در ارائه راهکارهای متفاوت برای جبران ضرر ارائه داده‌اند مانند تمایز میان اتلاف مال مثلی و قیمی و غیره در راستای تناسب شیوه جبران و زیان وارده می‌باشد (محمدی و جمالی، ۱۳۹۴: ۸۵).

#### ۳-۲- اصل جبران کامل خسارت

این اصل جبران خسارت باید زیان‌دیده را در موقعیتی قرار دهد که اگر فعل زیانبار نبود در آن موقعیت قرار داشت. یعنی هدف از دادن مثل در تلف مال مثلی این است که زیان دیده ناچار نباشد خود به بازار رفته و مثل مال تلف شده را پیدا کند.

بنابراین شیوه خسارت وی را بهتر و کامل‌تر جبران می‌کند و در صورتی که مال تلف قیمی باشد علی‌رغم اختلاف نظری که در باب معیار زمانی قیمت وجود دارد، نظر کسانی که قیمت یوم‌الادا را ملاک دانسته‌اند با فلسفه جبران کامل ضرر هماهنگی بیشتری دارد چرا که ضرر را به صورت کامل‌تری جبران می‌نماید. اصل جبران کامل خسارت، جبران خسارت را به یک روند

انعطاف پذیر و قابل انطباق با پیشرفت فنون و تغییر داده‌های اجتماعی تبدیل می‌کند بنابراین این اصل به دادرسی این امکان را می‌دهد تا جبران خسارت را متناسب با هر وضعیت تعیین کند. شیوه جبران علیرغم جدید بودن آن در موارد خاص اجرای خود، مصداق اتم و اکمل شیوه‌های جبران خسارت می‌باشد و همچنین برخی از حقوقدانان غربی نیز معتقدند که بدون اصل جبران کامل خسارت چنین انعطافی در جبران خسارت که از نظر انسانی و اجتماعی قابل توجیه است، به وسیله دادرسان قابل تحقق نیست.

باید توجه داشت که جبران کامل خسارت به مفهوم نظری آن محال است چرا که فعل زیانبار همواره آثار وسیعی در پی دارد و علیرغم اینکه اعمال این اصل پس از تحقق شرایط ضرر قابل مطالبه و در مرحله ارزیابی است اما پیامدهای مستقیم فعل زیانبار نیز چنان وسیع است که تدارک همه آن‌ها علاوه بر غیر عقلانی بودن ناممکن خواهد بود. تصویب قوانین پراکنده و راهکارهای مغایر، بیش از آنکه به پیامد اصل مسئولیت که تدارک خسارت ختم شود به تشمت قوانین و گاه نفی کارکرد جبرانی مسئولیت مدنی ختم شده است. نظر قانونگذار در تمهید نظام ارزیابی زیان، بسیار مهم می‌نماید اما تبعیض در آثار منابع مختلف ضمان و نفی تعهد جبران برخی از خسارات علاوه بر اینکه اثر هنجاری مسئولیت مدنی را منتفی خواهد کرد به تزییع حقوق زیان‌دیده نیز منجر خواهد شد (تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

### ۳-۳- تئوری رابطه دینی

در همین باب در صورت تعذر رد مثل یا در مورد اموال قیمی در باب معیار زمانی برای تقویم خسارت بررسی‌های بسیاری انجام شده است و آرای بسیاری نیز ارائه شده است. بهترین و منعطف‌ترین نظریه که در بسیاری از موارد توان جبران خسارت به بهترین صورت را دارد این است که با بروز فعل زیانبار، یک رابطه دینی میان زیان دیده و عامل ورود ضرر به وجود می‌آید که به موجب آن عامل زیان ملزم به جبران خسارت و انجام کار خاصی می‌شود. در واقع بر اساس این نظریه به محض ورود خسارت، ذمه عامل زیان به مورد خاصی نظیر مثل یا قیمت مشغول نمی‌شود بلکه ذمه وی به یک تعهد کلی مشغول می‌شود و امری است که گذشت زمان بر تغییر آن تأثیری ندارد.

آنچه این تعهد کلی را تبدیل به تعهد جزئی می‌کند و به آن صورت عینی و خارجی می‌دهد، حکم دادگاه است که در این موارد واجد دو حیثیت می‌باشد که شامل حیثیت تاسیسی و حیثیت

اعلامی می‌باشد. از آن جهت که به تعهد کلی مسئول صورت خارجی می‌بخشد، تاسیسی است و از جهت شناسایی، طلب جنبه اعلامی دارد.

بہتر است که اختیار مندرج در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی را که برای تعیین شیوه و کیفیت خسارت به دادرسی صلاحیت داده است، مبتنی بر همین نظریه رابطه دینی دانست و از این طریق شیوه‌های از پیش تعیین شده جبران خسارت را کاهش داد و به هماهنگ کردن شیوه‌های جبران خسارت و ضرر پرداخت که این امر به نوبه خود در راستای هدفی بزرگ یعنی جبران کامل زیان است، پرداخت و در صورت بروز فعل زیانبار دادگاه تکلیف کلی عامل زیان را نه به صورت مبلغ پول، بلکه در قالب پابندی به مفاد قرارداد باطل و اجرای آن تعیین کند (محمدی و جمالی، پیشین، ۸۷).

### ۳-۴- از بین بردن منبع ضرر

در برخی موارد زیان زنده به گونه‌ای موجب ورور ضرر می‌شود که ضرر به طور مداوم ادامه داشته و استمرار دارد. یکی از راه‌های جبران خسارت را می‌توان از بین بردن این استمرار دانست اما این روش جبران تنها از ورود ضرر در آینده جلوگیری می‌کند.

بنابراین زیان دیده می‌تواند جبران خسارات گذشته را مطالبه نماید. در واقع منحصر نمودن اسباب ضمان به غصب و اتلاف و تسبیب موجب محدودیت جبران خسارت می‌شود، امری که فقها نیز به آن پایبند نبوده و دفع منبع ضرر را با استناد به قاعده لاضرر، یکی از طرق جبران خسارت دانستند. این شیوه جبران خسارت که می‌تواند پایه و اساسی برای جبران از طریق الزام به قرارداد باطل باشد، از اصل لاضرر ناشی می‌شود که می‌توان به مواد ۱۳۰ الی ۱۳۲ قانون مدنی و ماده ۱۱۱۵ آن اشاره کرد. علاوه بر اصل لاضرر، اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی و ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی مستندات لزوم دفع منبع ضرر در نظام حقوقی ایران می‌باشند (نوروزی نژاد، ۱۳۹۶: ۹۶).

### ۳-۵- صلح قهری

قاعده حکومت که برخی از فقها از آن تحت عنوان قاعده ارش نیز یاد می‌کنند در هر موردی که اصل حکمی لازم الاجرا از طرف شارع معین شده باشد ولی کیفیت و کمیت آن معلوم نشده باشد، مانند آنچه در تعزیرات، دیات و مانند این‌ها مشاهده می‌شود، لزوم مطلع نمودن حکم، اقتضای آن را دارد که کیفیت و کمیت اجرای آن بنا به اوضاع و احوال هر قضیه توسط حاکم

تعیین شود. در واقع اطلاق عنوان حکومت بر این قاعده نیز می‌تواند متأثر از حکمی بودن اختیار قاضی در انتخاب روش اجرای این احکام باشد. در فقه موارد مختلفی از صلح اجباری را می‌توان مشاهده کرد از جمله در موردی است که دو ماه حلال و حرام با هم مخلوط شده باشند ولی مقدار مشخص نباشد. در این صورت قدر متیقن از هر مال به صاحب آن رد می‌شود و در مورد مابقی مصالحه می‌کنند که اگر یکی از طرفین از مصالحه امتناع کرد یک نظر این است که حاکم او را اجبار به صلح می‌کند و در صورت امتناع از باب الحاکم ولی الممتنع حاکم از طرف او صلح می‌کند.

علاوه بر این می‌توان به صلح اجباری در موردی اشاره کرد که طرفین در بحث مبیع معیوب در تعیین قیمت مال در حال عیب و بی‌عیبی اختلاف دارند. در هر حال انتخاب شیوه جبران در اختیار قاضی بوده و در بحث دیات نیز از نهاد صلح قهری بهره گرفته‌اند. این امر نیز به دلیل مشکل بودن احراز حکم است که به قاضی این اختیار را داده تا از طریق صلح اجباری اختلاف را حل و فصل کند. هر چند به اعتقاد برخی از فقها و حقوقدانان صلح قهری صرفاً در مورد خسارات بدنی مطرح می‌باشد. در ماده ۵۹۴ قانون مدنی نیز به طور ضمنی به صلح قهری اشاره شده است و این امر به ذهن متبادر می‌شود که صلح قهری و توافق اجباری طرفین دعوا یک قاعده عمومی نیست و تنها در موارد منصوص و در حدود آن باید انجام شود (همان، ۹۸).

### ۳-۶- اختیار مقام قضایی

پس از احراز ارکان و شرایط مسئولیت مدنی، قاضی باید تمام تلاش خود را برای تعیین شیوه جبران متناسب به کار گیرد. تعیین اینکه آیا خسارت باید از طریق پرداخت پول جبران شود و استرداد مال یا از بین بردن منبع ضرر یا جلوگیری از فعالیت زیانبار، بر عهده قاضی می‌باشد که باید مشخص کند خسارت باید به صورت یکجا پرداخت شود یا به صورت قسطی و یا به صورت مستمری.

اهمیت شیوه‌های جبران، انتخابی که زیان دیده در این زمینه انجام می‌دهد و تصمیمی که دادرس در این خصوص اتخاذ می‌کند به اندازه‌ای زیاد است که گفته می‌شود شیوه‌های جبران مقدم بر حقوق‌اند.

طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی قاضی باید متناسب با اوضاع و احوال قضیه، شیوه جبران متناسب را تعیین کند. دادرس در تعیین شیوه جبران باید به دو اصل مهم توجه داشته باشد: اول اصل جبران کامل خسارت و دوم تقدم جبران عینی برای جبران معادلی. در صورتی که شیوه

جبران مورد درخواست خواهان با عنایت به اوضاع و احوال، معقول، منصفانه و منطقی بود خوانده نمی‌تواند با این دفاع که شیوه‌های جبران مقرر در قانون در عرض یکدیگر نیستند و خواهان حق ندارد به میل خود یکی از شیوه‌ها را انتخاب کند، اصرار بر جبران خسارت به روش دیگر کند. در این موارد قاضی با ارزیابی شیوه مورد درخواست خواهان به اختلاف آنها رسیدگی خواهد کرد و باید در این راه حداکثر تلاش خود را در اجرای عدالت و انصاف به کار گیرد.

قانونگذار در قوانین مختلف از جمله مواد ۳، ۴ و ۷ قانون مسئولیت مدنی اختیارات نسبتاً وسیعی را به قاضی اعطا نموده تا به لحاظ عرف حاکم، شرایط و اوضاع و احوال و مقتضیات مربوط به هر پرونده مناسب‌ترین شیوه جبران خسارت را مورد حکم قرار دهد (اسکندری، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

### ۳-۷- مصلحت‌گرایی

با نگاهی به شیوه‌های جبران خسارت در نظام‌های حقوقی جهان به این نتیجه می‌رسیم که شیوه‌های جبران خسارت در چند شیوه خاص محصور شده است. ممکن است تمامی نظام‌های حقوقی به سمت روش خاصی متفاوت باشد. برای مثال در حالی که نظام‌هایی مانند حقوق اسکانداوناوی، انگلیس و آمریکا وسیله متعارف جبران خسارت را پرداخت پول می‌دانند در حقوق آلمان، سوئیس و فرانسه معتقد به شیوه رد عین و اجرای تعهد هستند. اما باید توجه داشت که عدالت، مفهومی نسبی است. در خصوص مسئولیت مدنی نیز هر نظام حقوقی در پی تمهید شیوه‌های گوناگونی برای جبران خسارت است تا به نظم یگانه‌ای پایبند نشوند و نظریات و رویه‌های متفاوتی برای پاسخگویی به نیازها به وجود بیاورند.

امروزه با توجه به تحولات گسترده در حوزه قراردادهای و نوسانات در حوزه تجارت و اقتصاد، دستگاه قضایی خود را با نیازهای روز جامعه منطبق نموده و از عالم اعتبار فاصله می‌گیرد و در حکم به جبران خسارت از شیوه‌های متعدد که متناسب با واقعیات عینی باشد، استفاده می‌کند تا هدف مسئولیت مدنی را تأمین کند (تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

### ۴- انواع خسارت ناشی از قراردادهای باطل

در خصوص انواع خسارت ناشی از قراردادهای باطل، ابتدا خسارت در قراردادهای مدنی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم که شامل عقود معاوضی و غیر معاوضی می‌باشد. سپس خسارت در



قراردادهای تجاری و اقتصادی که شامل قراردادهای اعتباری، پیمانکاری، تجاری - اقتصادی و بانکی می‌باشد را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

#### ۴-۱- خسارت در قراردادهای مدنی

در خصوص خسارات در قراردادهای مدنی به قراردادهای معوض و غیر معوض اشاره می‌کنیم که چه خساراتی در این قراردادها می‌تواند از بطلان قرارداد به وجود بیاید. در عقود معوض لزوماً دو مال یا عمل یا یک مال و عمل با هم مبادله می‌شوند و معمولاً هم ارزش بوده و متعادل هستند اما در عقود غیر معوض معمولاً عوض وجود ندارد و بر خلاف عقد معوض فقدان یکی از عوضین موجب بطلان عقد نمی‌شود.

#### ۴-۱-۱- عقود معاوضی

تعداد عقود معاوضی ضمان آور در حقوق ایران بسیار است و صرفاً به بررسی خسارت در دو نمونه از عقود معاوضی یعنی عقد بیع و بیمه می‌پردازیم. در نتیجه بطلان عقد بیع ممکن است خساراتی به یک یا هر دو متعاقدین وارد آورد. به عنوان مثال تنزل قیمت مبیع در بازار و یا کاهش ارزش ثمن از جمله این خسارات می‌باشد و یا اینکه بازار کالا با توجه به موقعیت زمانی از بین رفته باشد. با توجه به تنوع عقد بیع، خسارت نیز می‌تواند به همان اندازه بسیار باشد ولی آنچه در همه عقود ثابت است، کاهش قیمت مبیع و ارزش ثمن و از بین رفتن بازار کالا است. همچنین خسارت می‌تواند ناظر به از دست دادن فرصت انعقاد قراردادهای مشابه باشد. خسارت وارده در بطلان قرارداد می‌تواند مصادیق سنتی خسارت مانند هزینه تنظیم سند، هزینه حمل و نقل، هزینه دلالی، هزینه نگهداری و ... باشد.

بیمه عملیاتی است که در آن بیمه‌گر افرادی را که در معرض حادثه و ریسک خاصی قرار دارند سازماندهی می‌کند و از محل مبالغی که از جمع حق بیمه‌های دریافتی فراهم شده از بیمه‌گذارانی که حوادث و خطرهای موجب خسارت عملاً برای آن‌ها تحقق می‌یابد، رفع خسارت می‌کند.

در صورت بطلان عقد بیمه در واقع بیمه‌گذار علاوه بر اینکه سرمایه خود را به مدت چندین سال در صندوق بیمه راکد گذاشته است حال جهت تسکین فشار روحی ناشی از خسارت و جبران خسارت مادی وارده نیاز به مبلغ پرداختی از محل بیمه دارد ولی با وضعیتی مواجه می‌شود که نه

تنها خسارات جبران نشده است بلکه ضرر و زیان ناشی از بطلان عقد بیمه نیز بر وی تحمیل می‌شود.

با وجود بطلان قرارداد بیمه دیه اشخاص ثالث قابل پرداخت است و این به نوعی اجرای مفاد قرارداد باطل به نفع ثالث است. در شرایط عادی در صورت بطلان عقد بیمه، ثالث عملاً با خود بیمه‌گذار طرف حساب بوده و پرداخت دیه از جانب صندوق تامین وجهی نداشت ولی به جهت رعایت حال ثالث و حمایت از وی در برابر ادعای بطلان، قانونگذار ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث را وضع کرده است که به نفع ثالث باشد.

در خصوص آثار ناشی از بطلان عقود معاوضی لازم است میان صور مختلف قائل به تفکیک شد. در فرض بقاء مال قبض شده، قبض کننده مال باید آن را فوراً به مالک اصلی برگرداند. در فرض تلف مال قبض شده به واسطه تلف یا نقص آن، ضمان عین و منافع آن وجود خواهد داشت که در مال قیمی، قیمت و در مال مثلی مثل مال تلف شده باید مطالبه شود. (پورسید و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹).

#### ۴-۱-۲- عقود غیر معاوضی

در عقود غیر معاوضی یعنی عقود تملیکی غیر معوض و عقود مجانی قاعده ما یضمن به صحیحه جاری نیست. در صورت صحت این عقد طرف مقابل ملزم به رد عوض نیست. در صورت فساد نیز ضمانی به جبران تلف و نقص مال ندارد و تنها در صورتی مسئولیت دارد که مرتکب تقصیر شده باشد. بنابراین ضمان او بر اساس تقصیر است. در عقود غیر معاوضی نیز ورود خسارت در فرض بطلان می‌تواند موجب ضمان باشد ولی این ضمان ناشی از بطلان عقد و قاعده فوق‌الذکر نیست بلکه بر مبنای تقصیر خواهد بود.

طبق ماده ۶۱۰ قانون مدنی، اهلیت برای انعقاد عقد ودیعه لازم می‌باشد و شخصی که مال محجور را به ودیعه قبول کند ضامن تلف و نقص مال خواهد بود. چنین اقدامی مشمول قاعده اصل نبوده و فاسد عقد ضمان‌آور نیست بلکه این حکم به این دلیل است که اقدام به اخذ مال محجور تقصیر محسوب می‌شود زیرا عقد ودیعه صحیحی منعقد نشده است که وی امین تلقی شود و باید به محض اطلاع از بطلان عقد، مال را به ولی رد کند و الا به دلیل تقصیر ضامن است.

همچنین طبق ماده ۷۹۱ قانون مدنی، اگر عین مرهونه به واسطه عمل راهن یا شخص دیگری تلف شود، شخص باید بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود. در اینجا با اتلاف مال، عقد رهن منسوخ می‌شود. در واقع خود قانونگذار راهن را به نوعی اجبار به اجرای مفاد قرارداد منحل به انعقاد قراردادی با شرایط قبلی می‌نماید. بنابراین ملاحظه می‌شود که در عقود غیر معاوضی هم می‌توان از روش‌های پیشنهادی استفاده کرد و مقنن جهت حمایت از مرتهن و جلوگیری از ورود خسارت به وی و از دست دادن وثیقه دین اقدام به از بین بردن منبع ضرر با برقراری مجدد عقد رهن و اجرای مفاد قرارداد منحل نموده است (نوروزی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

#### ۴-۱-۳- خسارات طرفین قرارداد

در نتیجه بطلان قرارداد، طرفین قرارداد متضرر می‌شوند. ممکن است بطلان قرارداد زمانی معلوم شود که طرفین عوضین قرارداد را تسلیم کرده باشند. در این صورت چون عقد فاسد اثری در تملک ندارد و موجبات انتقال مالکیت عوضین فراهم نبوده است، هر دو طرف باید آنچه را که گرفته‌اند، به مالک برگردانند و منافع حاصل از عوضین نیز به تبع مالکیت آنها رد شود و وضعیت آنها به قبل از انعقاد عقد بازگردد گویی که از ابتدا عقدی منعقد نشده است. از سوی دیگر طرف جاهل به بطلان عقد به اعتماد اینکه عقد صحیح است، هزینه‌هایی را متحمل شده و منافعی را از دست داده است. اینجاست که طرف ناآگاه باید در موقعیتی قرار گیرد که گویی عقد اجرا شده است تا به نحو کامل از آن جبران به عمل بیاید و تناسب بین جبران و ضرر برقرار شود و به نوعی اعاده به وضع سابق گردد. زیان دیده قرارداد باطل باید از لحاظ جبران خسارت در وضعیتی قرار گیرد که گویی عقد اجرا شده است زیرا قرار دادن وی در وضعیت قبل از ورود زیان به هیچ وجه زیان را به طور کامل رفع نمی‌کند چرا که وی از لحظه انعقاد عقد به بعد متضرر شده است و بسیاری از فرصت‌ها را از دست داده است (همان، ۱۱۲).

#### ۴-۱-۴- خسارات اشخاص ثالث

همانطور که مطابق اصل اثر قرارداد محدود به طرفین و قائم مقام ایشان است و نسبت به اشخاص ثالث سرایت نمی‌کند، بطلان قرارداد هم نباید تاثیر نسبت به ثالث داشته باشد. اما این اصل استثناهایی نیز دارد. به عنوان مثال چنانچه عقد بیعی منعقد شود و به دنبال آن مشتری عقد بیع دیگری را با ثالث منعقد کند و سپس بطلان عقد بیع معلوم شود دوم نیز باطل بوده و در حقوق خریدار دوم موثر خواهد بود.

خسارت اشخاص در بحث قراردادهای باطل زمانی مطرح است که عقد فضولی با شخص جاهل منعقد شود و مالک عقد را تنفیذ نکند و یا موردی که عقد باطلی منعقد شده و به موازات آن و در راستای این قرارداد عقود منعقد می‌شود که بطلان این قرارداد، یا موجب بطلان سایر قراردادهاست و یا بطلان آن انجام عقود بعدی را تحت تاثیر قرار داده و انجام آنها را مختل می‌نماید. به عنوان مثال عقد بیع باطلی منعقد شده و مورد معامله به ثالث منتقل شده، چه بسا مورد معامله فاسد چند دست منتقل شده باشد در چنین شرایطی با عدم تنفیذ قرارداد توسط مالک، کلیه عقود بعدی نیز باطل می‌شود که طرف این عقود نسبت به عقد باطل اولی، ثالث محسوب می‌شود و بطلان عقد در حقوق آنان تاثیرگذار است. با استفاده از مقررات مسئولیت مدنی می‌توان این حق را به نحوی اعمال کرد که حقوق ثالث محفوظ بماند و از ثالث جبران خسارت به عمل آید.

در خصوص مسئولیت اشخاص ثالث نظیر حق دلال و حق العمل کار باید گفت اگر ایشان در معامله بدون سوء نیت قصور کند و در نتیجه قصور او معامله‌ای باطل شود، حق العمل کار مسئول جبران خسارت امر می‌باشد. همچنین هرگاه بر اثر اطلاعات غلط یا ناکافی دلالی، یکی از طرفین در وصف اساسی صحت معامله دچار اشتباه شود و معامله باطل شود، مطابق ماده ۳۳۷ قانون تجارت، دلال مسئول جبران خسارت ناشی از بطلان قرارداد و اجرای آن خواهد بود (امین دهقان و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

## ۵- روش‌های جبران و ترمیم خسارت

روش‌های جبران و ترمیم خسارت به دو شیوه سنتی و نوین می‌باشد که در ذیل این عنوان به بررسی هر یک می‌پردازیم.

### ۵-۱- نظام‌های سنتی جبران خسارت

نظام‌های سنتی جبران خسارت شامل جبران عینی، مثلی، نقدی، معنوی و پرداخت وجه التزام می‌باشد.

#### ۵-۱-۱- جبران عینی

جبران عینی استقرار مجدد وضعیتی است که پیش از نقض قواعد وجود داشته است و وضعیتی است که در صورت وارد نشدن ضرر می‌توانست وجود داشته باشد. به این معنا که به نحوی از

زیان‌دیده رفع خسارت شود که گویی زبانی متوجه وی نبوده و چنانچه خسارت وارد نمیشد اکنون وی در آن موقعیت قرار داشت. اگر مقصود قراردادن زیان‌دیده در وضعیت قبل از ورود ضرر باشد زیان‌های ناشی از تورم و کاهش ارزش موضوع زیان نیز قابل جبران نبوده و موجب بی‌عدالتی و نقض فلسفه جبران در مسئولیت خارج از قرارداد خواهد شد.

نظری دیگر اینست که جبران عینی جبرانی است که بتواند وضع زیان‌دیده را به حال سابق اعاده نماید برای مثال رد عین مال یا مثل آن. البته رد مال بنا بر نظر برخی جبران خسارت محسوب نمی‌شود. جبران مالی نیز که به پرداخت نقدی خسارات بوسیله ارزیابی قیمت ضرر وارده صورت می‌گیرد. در برخی موارد در قانون مدنی مانند غصب اصل بر رعایت ترتیب جبران عینی، مثلی و قیمت است. حال آنکه جبران عینی لزوماً به صورت رد عین نیست بلکه می‌تواند به صورت رد عین و پرداخت مابه‌التفاوت نقص در عین باشد.

در یک تقسیم بندی که ارائه شده است جبران عینی خسارت به دو شکل مادی و حقوقی می‌باشد. جبران عینی مادی مانند بازسازی م ۳۲۹ ق.م، از بین بردن منبع ضرر در مواد ۳۲۹ ق.م و درج عذرخواهی در جراید در مواد ۸ و ۱۰ ق.م.م.

در حقوق ایران بیان اینکه مقصود از جبران خسارت اعاده وضع سابق است به این معناست که حتی در ضمان قهری نیز منظور از اعاده وضع به سابق در خسارات ناشی از بطلان به این معناست که زیان‌دیده را در وضعیت اجرای عقد قرار دهیم (صفایی و ذاکری نیا، ۱۳۹۴: ۲۶۸).

### ۵-۱-۲- جبران مثلی

معادل زبانی که وارد شده و در نتیجه از دارایی زیان‌دیده خارج شده است باید وارد دارایی او گردد. جبران از طریق دادن معادل به روش‌های مختلف از جمله تادیه مثل قابل اعمال است ولی راه حلی که اصولاً توسط دادگاه‌ها انتخاب می‌شود جبران بصورت معادل نقدی است.

در صورت تلف شدن عین مال و یا عدم دسترسی به آن، جبران خسارات از طریق دادن معادل تحقق می‌پذیرد. در این مورد چند حالت متصور است: دادن بدل در صورت وجود عین و عدم امکان رد آن.

برخی اوقات مال مثلی با این که در بازار موجود است در هنگام رد مسئول تلف در بازار کمیاب می‌شود و قابض نمی‌تواند آن را رد نماید. در اینگونه موارد مالک مخیر است که یا قیمت مال مثلی را مطالبه نماید و یا صبر کند تا امکان رد مثل فراهم شود. همچنین حالت دیگر از بین رفتن مالیت در مال مثلی می‌باشد.

در مواردی مسئول رد به مال مثلی دسترسی دارد و امکان رد آن نیز فراهم و در بازار موجود است ولی در زمان رد مال از مالیت می‌افتد. مورد آخر نیز از بین بردن منبع ضرر است. هرگاه زیانی که وارد می‌شود مستمر باشد با از بین بردن منبع ضرر می‌توان به نحوی آن را جبران کرد. این شیوه جبران خسارت در مقایسه با برخی از روش‌های جبران دیگر، محدودیت‌هایی در جبران ضرر و زیان وارده دارد. از جمله اینکه در این روش در صورتی که قبل از بین بردن منبع ضرر خسارتی وارد شده باشد آن را جبران نمی‌کند. در واقع این روش صرفاً از ضرر آینده جلوگیری می‌کند و زیان‌های گذشته بدون جبران می‌ماند (مهدی الشریف و سعیدی: ۱۳۹۳، ۸۱۷).

### ۵-۱-۳- جبران نقدی

در دادگاه‌های ما پرداخت پول و قیمت از رایج‌ترین شیوه‌های جبران خسارت است. در صورت وجود، عین رد می‌شود والا در صورت مثلی بودن مثل مال و در صورت تعذر رد مثل بدل و در نهایت در صورت قیمی بودن مال، قیمت پرداخت می‌شود. ممکن است پرداخت مثل در تلف مال مثلی متعذر شود. در مال مثلی متعذر برخی قیمت روز ادا را مالک تعیین قیمت می‌دانند. طبق این قول در صورت تعذر مثل، ذمه ضامن تبدیل به قیمت نمی‌شود بلکه تعهد او به رد مثل همچنان باقی می‌ماند تا مثل یافت شود و یا قیمت را پرداخت کند و تا زمان پرداخت، مثل برعهده ضامن است و ذمه او زمانی بری می‌شود که قیمت را پرداخت کند که با پرداخت قیمت روز ادا بری می‌شود.

نظر دیگر بالاترین قیمت از روز قبض تا روز پرداخت با این توجیه که تا زمان رد بالاترین قیمت عین و بدل برعهده قابض است و تمام ضرر مالک نیز جبران می‌شود.

در خصوص منافع و و اجرت المثل در مبنای ضمان قابض به قاعده ضمان ید استناد شده به اینصورت که این قاعده شامل منافع مستوفات و غیرمستوفات هر دو می‌شود. قول مشهور این است که قابض مطلقاً ضامن منافع غیر مستوفات است. برای عدم ضمان منافع غیرمستوفات به قاعده الخراج بالضمان استناد شده است. اگر منافع مال متعدد باشد ولی جمع آنها متعارف نباشد در فرضی که اجرت المثل همه یکسان باشد تکلیف قضیه روشن است و اجرت یک مورد به مالک پرداخت می‌شود. در صورت تفاوت اجرت برخی برآن هستند که اجرت المثل با ارزش ترین منفعت پرداخت می‌شود (نوروزی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

### ۵-۱-۴- جبران معنوی

برخی حقوقدانان خسارت معنوی را غیر قابل جبران دانسته و معتقدند که خسارات معنوی ارتباط نزدیکی با احساسات دارند و جبران لطمات وارده به آنها به سادگی ممکن نیست و نمی-توان با پرداخت پول زیاد هم آن را ترمیم کرد. دوم اینکه معیار دقیقی برای ارزیابی خسارت معنوی و آسیب‌های وارده به روح و روان و حیثیت افراد وجود ندارد. اما در قانون مسئولیت مدنی خسارات معنوی قابل جبران است (تیرتاشی، ۱۳۹۳: ۱۵).

از جمله روش‌های متداول از بین بردن منبع ضرر، عذرخواهی شفاهی، عذرخواهی از طریق جراید و اعاده حیثیت از زیان‌دیده است.

### ۵-۱-۵- پرداخت وجه التزام

وجه التزام را به ضمانت اجرا، جریمه و شرط کیفری مالی تعریف کرده‌اند. ورود زیان شرط تحقق وجه التزام نیست و به صرف نقض تعهد قابل مطالبه است. هدف از درج وجه التزام جبران خسارت ناشی از نقض تعهد بوده و انحلال عقد نباید موجب از بین رفتن این حق متعهدله شرط باشد. لذا شرط وجه التزام از جمله شروطی است که در فرض انحلال و بطلان عقد دارای استقلال از عقد بوده و معتبر می باشد.

شرط وجه التزام در قراردادها در فرضی مورد پیش بینی قرار می‌گیرد که یکی از طرفین از اجرای تعهد قراردادی خود تخلف نماید. در حقیقت وجه التزام مبنای قراردادی دارد در حالیکه مبنای خسارات قابل مطالبه در فرض بطلان قرارداد، مبنای خارج از قرارداد است. در فرضی که طرفین تراضی می‌کنند که در صورت بطلان قرارداد خسارت عدم انجام تعهد، مبلغی به عنوان وجه التزام باشد در اینصورت اصل حاکمیت اراده حکومت می‌کند و خود زیان دیده بهترین روش جبران خسارت را مطالبه وجه التزام می‌داند (کبیری، ۱۳۷۷: ۳۰).

### ۵-۲- نظام‌های نوین جبران خسارت

نظام‌های نوین جبران خسارت شامل الزام به مفاد معامله باطل، تصحیح یا تبدیل معامله باطل، پرداخت ارزش روز عوض معامله، پرداخت ارزش قراردادی، جبران خسارت توسط بیمه و دولت می‌باشد.

### ۵-۲-۱- الزام به مفاد معامله باطل

می‌توان در قرارداد این راه‌حل را اینگونه در نظر گرفت که در صورت عدم انجام تعهد متعهدله و موضوع تعهد را انجام می‌دهد و هزینه این اقدام را از متعهد می‌گیرد. در این حالت متعهدله به فکر صرفه جویی و رعایت مصلحت متعهد متخلف نخواهد بود (تیرتاشی، پیشین، ۳۲).  
بی شک در حوزه قراردادهای، اجرای عین تعهد منظور اصلی متعاقدين از انعقاد قرارداد می‌باشد و در صورت نقض تعهد قراردادی در قانون مدنی ضمانت اجرای اجبار به انجام عین تعهد پیش بینی شده است. این منظور در فرض بطلان قرارداد نیز وجود دارد و طرفین و یا حداقل طرفی که تقصیری در بطلان قرارداد نداشته انتظار داشته است که قرارداد اجرا شود و مسلماً در راستای اجرای قرارداد و پیش بینی انجام آن برنامه ریزی نموده و اقدام به انعقاد قرارداد کرده است.

### ۵-۲-۲- تصحیح یا تبدیل معامله باطل

عقد باطل را طرف زیان‌دیده نمی‌تواند با رضایت خود به قراردادی صحیح تبدیل کند. با همه این اوصاف قانونگذار در مواردی اصلاح و تنفیذ قرارداد باطل را اجازه داده است. ماده ۸۴ ق.ت در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرگاه قبل از اقامه دعوی ابطال شرکت یا برای ابطال عملیات و قراردادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.»  
در حقوق ایران با آنکه قرارداد باطل نمی‌تواند به عقد صحیح تبدیل شود ولی قانونگذار در قانون تجارت تحت تاثیر حقوق خارجی آن را بطور استثنایی پذیرفته است. در مواردی نیز ممکن است قانونی وضع شود که موجبات بطلان قرارداد را از بین ببرد که در این صورت به عقد بی اعتبار گذشته نیز اعتبار می‌بخشد. زیرا بطلان به نوعی مجازات کیفری برای طرفین عقد باطل است و زمانی که قانون خفیف تری تصویب شود در مورد مجازات‌های پیشین هم اعمال می‌شود. در حوزه قراردادهای بازرگانی بین المللی نیز دادگاه‌ها معمولاً از اعلام بطلان قرارداد به علت مجهول و مبهم بودن موضوع قرارداد به ویژه در قراردادهای تجاری امتناع می‌کنند و تلاش می‌کنند قرارداد را قابل اجرا نمایند.

### ۵-۲-۳- پرداخت ارزش روز عوض معامله

در فرض بطلان بیع در خصوص جبران خسارت در رویه قضایی سه موضع اتخاذ شده است: اول اعاده همان ثمن، دوم اعاده همان ثمن در کنار شاخص بانک مرکزی، سوم اعاده ثمنی معادل قیمت روز مبیع.



عده‌ای معتقدند که در بیع باطل جبران خسارتی بیش از استرداد ثمن وجهی ندارد زیرا بعثت بطلان، مبیع وارد دارایی مشتری نشده است و حکم به پرداخت قیمتی که هرگز وارد دارایی شخص نشده است با قواعد مسئولیت مدنی ناسازگار است و مصداق عدم النفع می‌باشد. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه‌های متعددی که در پاسخ به استعلامات صورت گرفته منتشر نموده است پرداخت قیمت روز مبیع را صحیح نمی‌داند.

در مواردی از دعاوی جبران خسارات ناشی از بطلان قرارداد متناسب‌ترین روش جبران می‌تواند این باشد که قیمت روز موضوع معامله به زیان‌دیده پرداخت شود. زیرا در این روش اگرچه ممکن است خسارت پرداختی حتی دو سه برابر ثمنی باشد که عامل زیان دریافت داشته بود ولی این به این معنا نیست که زیان‌دیده از این رهگذر منفعتی تحصیل کرده که ناروا می‌باشد بلکه این به این معناست که چنانچه عقد صحیح بود زیان‌دیده این منفعت را کسب می‌کرد و این منفعت وارد دارایی وی می‌شد و عمل زیانبار محکوم علیه است که مانع ورود این منفعت در دارایی وی شده است. حکم به پرداخت قیمت روز مبیع در حقوق ایران در جهت اجرای اصل جبران کامل زیان‌دیده است تا از این طریق به بهترین نحو از زیان‌دیده جبران خسارت شود و می‌توان آن را به عنوان یک روش جبران خسارت در بطلان قراردادها ارائه نمود (نوروزی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

### ۵-۲-۴- پرداخت ارزش قراردادی

پرداخت ارزش روز عوض قرارداد در حقوق ما مطرح بوده و به عنوان یک روش جبران خسارت، تأمین‌کننده اصل جبران کامل خسارت نیز می‌باشد. اما در مواردی پرداخت ارزش روز موضوع معامله نیز نمی‌تواند خسارات وارد بر زیان‌دیده را بطور کامل جبران کند و تعادل میان ضرر و جبران نیز رعایت شود. در چنین مواردی می‌توان روش جبران دیگری را با عنوان «پرداخت ارزش قراردادی» ارائه داد.

در قوانین کشورهای مختلف قواعد مربوط به جبران خسارت در مسئولیت مدنی به معنای خاص در حوزه تخلفات قراردادی و قواعد حوزه قراردادها در حوزه مسئولیت مدنی یکی شده و از هر دو قواعد در هر دو حوزه استفاده می‌شود.

همین اهداف از جبران خسارت در حوزه مسئولیت خارج از قرارداد در حقوق ما نیز مطرح بوده است. در بحث عقد باطل نیز به نظر می‌رسد با توجه به مبنای انتخابی ما یعنی قاعده مایضمن که طرف عقد را در حکم غاصب می‌داند حکم به جبران خسارت بر این مبنا که معادل ارزش تعهد را پرداخت نماید بی‌وجه نمی‌نماید چراکه طرف عقد در حکم غاصب بوده و با وی به اشق

احوال رفتار می‌شود اگرچه در اینجا انتخاب چنین روش جبرانی نه از باب غاصب بودن وی که از باب تأمین هدف جبران خسارت است. خود قرارداد باطل نیز می‌تواند به عنوان معیاری جهت پرداخت خسارات وارده مفید باشد و به وسیله آن می‌توان ارزش عوضین قراردادی را تعیین و ارزش آن را کشف نمود.

### ۵-۲-۵- جبران خسارت توسط بیمه

قرارداد بیمه مسئولیت، قراردادی است که به موجب آن، بیمه‌گر در برابر حق بیمه تعهد می‌کند، در صورت تحقق مسئولیت بیمه‌گذار، خسارت وارد از سوی او یا خسارت وارد بر او را جبران سازد. نهاد بیمه مسئولیت و تأمین تاوان از لحاظ مکانیزم و عملکرد، مشابه یکدیگرند. هر دو قراردادهای احتمالی‌اند که با تضمین مسئولیت شخص متعهدله سبب انتقال بار (نهایی) مسئولیت از دوش یک طرف قرارداد بر دوش طرف دیگر می‌شوند و اغلب در فرض خسارت ناشی از تقصیر و غفلت فاحش یا رفتار عمدی، به دلیل برخورد با نظم عمومی نافذ نیستند.

قراردادهای تأمین تاوان دو تفاوت عمده با بیمه دارند؛ درحالی‌که در بیمه مسئولیت، زیان‌دیده می‌تواند به منظور بهره‌مندی از دعوای مستقیم، علیه بیمه‌گر نیز اقامه دعوا کند، در شرط تأمین تاوان، شخص ثالث زیان‌دیده صرفاً می‌تواند علیه مشروط علیه اقامه دعوا کند. تفاوت دیگر در آن است که در فرض بیمه مسئولیت، خسارت‌ها میان دسته‌ی زیادی از اشخاص (بیمه‌گذاران) سرشکن می‌شود؛ درحالی‌که در فرض قرارداد تأمین تاوان، مسئولیت تمام خطر از دارایی مسئول اصلی به دارایی شخص دیگری منتقل می‌شود (بادینی و دیلمی، ۱۳۹۷: ۴۵۰).

### ۵-۲-۶- جبران خسارت توسط دولت

بدیهی است که مسوولیت اصلی بر عهده عامل زیان است زیرا خسارات وارده ناشی از اعمال اوست اما در عمل جبران خسارت توسط عامل زیان در تمامی موارد امکان‌پذیر نیست. جبران دولتی خسارت به معنی پرداخت مبالغی از طرف دولت به زیان‌دیدگان یا خانواده‌های آنهاست. در حقوق ایران دولت ملزم شده است خسارات جبران نشده اشخاص ناشی از حوادث امنیتی را پرداخت نماید. خساراتی که در واقع ناشی از عمل دولت نیست. به عنوان مثال پرداخت خسارت به اشخاص حقیقی در اثر نزاع‌های دسته‌جمعی در صورتی که عامل زیان شناسایی نشود، فرد خسارت دیده خود طرف دعوا نباشد و عدم تأمین خسارت موجب نزاع‌های دیگری شود. پرداخت خسارت وارده به اموال منقول و غیرمنقول اشخاص حقیقی در اثر آتش‌سوزی‌های عمدی

ضدانقلابی اشرار، سرقت‌های مسلحانه، غارت و راهبندی‌ها، پرداخت هزینه‌هایی به مردم در اثر گروگان‌گیری غیرتسویه‌حسابی اشرار و ضدانقلاب، پرداخت دیه به خانواده‌هایی که وابستگان آنها در اثر اقدامات اشرار مجروح شده و به قتل رسیده‌اند. همچنین جبران خسارت نیروهای خودی که در اثر اقدامات اشرار دچار خسارت شده‌اند. مسوولیت دولت در قبال خسارات ناشی از بلایای طبیعی، یکی از پیچیده‌ترین مباحث حقوقی است. ایجاد رابطه سببیت به عنوان عمده‌ترین رکن مسوولیت مدنی بین حادثه طبیعی و دولت مطلقاً منتفی است. بنابراین دولت را نمی‌توان مسوول حادثه ای دانست که آن را ایجاد نکرده است و همینطور امکان پیشگیری از آن را در لحظه وقوع در اختیار نداشته است (درویشی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

### نتیجه‌گیری

بطالن وضعیت قرارداد می‌باشد که به دلیل فقدان شرایط یک قرارداد معتبر از اعتبار ساقط می‌شود. این شرایط در ماده ۱۹۰ قانون مدنی آمده است. همچنین قراردادی که با نظم عمومی مغایرت داشته باشد ممکن است تمام شرایط صحت یک قرارداد معتبر را رعایت کرده باشد اما به دلیل برخورد و تضاد با مصالح اجتماعی بی‌اعتبار شود. در این صورت اگر خسارتی متوجه کسی شده باشد باید جبران شود.

روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی که همانا شیوه‌های اجرای تعهد فاعل زیان می‌باشند، بر مبنای اهداف مسئولیت مدنی تعیین می‌گردند. جبران کامل خسارت، جلب رضایت زیان‌دیده و اعاده به وضع سابق مهم می‌نماید. به عنوان مثال جبران عینی یا اعاده وضع پیشین که در اشکال مختلف جبران عینی مادی (رد عین مال، خلع ید از ملک موضوع تصرف عدوانی، بازسازی، ازبین بردن منبع زیان، و درج عذرخواهی و تکذیب در نشریات عمومی) و جبران عینی حقوقی (ابطال سند مجعول، اعاده وضعیت) و جبران معادلی که خود بر دو نوع است؛ جبران غیرنقدی خسارت (دادن بدل حیلوله و مثل) و جبران نقدی (پرداخت پول). دو شیوه اصلی جبران خسارت (عینی و معادلی) اصولاً در عرض هم نیستند تا هریک از عامل زیان یا زیان‌دیده بتواند به میل خود یکی را اختیار کند. اما ترتیب تقدم و تأخر میان آنها به نظم عمومی ارتباط ندارد و طرفین می‌توانند برخلاف آن تراضی کنند یا دادگاه شیوه مناسب را برگزیند. در رویه قضایی بین المللی باوجود مصادیقی از جبران عینی، اغلب حکم به جبران نقدی خسارت داده می‌شود. اما در حقوق ایران برابر ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، به قاضی اختیار داده شده است که شیوه مناسب را برگزیند.

## منابع و مأخذ

### کتاب‌ها

- ۱- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- ۲- قاسم زاده، سیدمرتضی، الزام‌ها و مسولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
- ۳- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی- قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.

### مقالات

- ۴- امین دهقان، صادق؛ حسینی، سید محمد، مسئولیت مدنی اشخاص ثالث در صورت اجرای عقد باطل، *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، دوره ۲، شماره یک، صص ۱۱۸-۱۱۱، ۱۳۹۲.
- ۵- بادینی، حسن؛ تقی زاده، ابراهیم؛ علیدوستی شهرکی، ناصر؛ پناهی اصانلو، پانته‌آ، تاثیر اصل جبران کامل خسارات در شیوه‌های عینی و انتزاعی ارزیابی خسارت در بیع بین المللی کالا، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۰، شماره یک، صص ۲۰-۱، ۱۳۹۷.
- ۶- باقری، احمد؛ علی آبادی، علی؛ جوادی، محمدحسن، قاعده علی البید و ضمان منافع، *مقالات و بررسی‌ها*، صص ۸۰-۶۰، ۱۳۸۵.
- ۷- پارساپور، محمد باقر؛ حسینی، سید میلاد؛ شاهی، احد، قابلیت جمع شیوه‌های جبران خسارت قراردادی در حقوق اسلام و ایران در مقایسه با اسناد بین‌المللی، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال دوم، شماره اول، صص ۲۸-۱، ۱۳۹۳.
- ۸- پور سید، بهزاد؛ شفیق زاده خولتجانی، مصطفی؛ صادقی، محمد، نوع مسئولیت و آثار ناشی از بطلان عقود معاوضی، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۵۰-۲۹، ۱۳۹۵.
- ۹- خادم سربخش، مهدی؛ سلطانی نژاد، هدایت الله، اصل قابلیت جبران کامل خسارات، *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۴۸-۲۱، ۱۳۹۲.
- ۱۰- صفایی، سیدحسین؛ ذاکری نیا، حانیه، بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیر قراردادی، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۸۳-۲۶۵، ۱۳۹۴.

- ۱۱- قاسم زاده، سید مرتضی؛ خسروی فارسانی، علی، مسئولیت مدنی اخذ بالسوم در فقه و قانون مدنی، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، شماره ۴۰ و ۴۱، صص ۷۲-۵۹، ۱۳۸۵.
- ۱۲- قسمتی تبریزی، علی، اصل جبران کامل زیان، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳، صص ۱۷۴-۱۳۵، ۱۳۹۴.
- ۱۳- محمدی، قاسم؛ جمالی، مرتضی، حکم به اجرای قرارداد باطل به عنوان روشی برای جبران خسارت، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۰، شماره ۹۵، صص ۱۰۰-۸۳، ۱۳۹۴.
- ۱۴- مهدی الشریف، محمد؛ سعیدی، سمیه، تاثیر نوسانات ارزش پول بر جبران خسارت نقدی در دعوی مسئولیت مدنی، پژوهش های فقهی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۸۲۲-۷۹۱، ۱۳۹۳.
- ۱۵- وطنی، امیر؛ زمانی، سید قاسم؛ زنگنه شهرکی، جعفر، امکان جبران کامل خسارات در اصول قراردادهای تجاری بین المللی، کنوانسیون قراردادهای بیع بین المللی کالا و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۶۵-۱۳۱، ۱۳۹۴.

### - پایان نامه ها

- ۱۶- بندک، کنعان، مسئولیت مدنی ناشی از غرور و فریب در حقوق ایران و انگلیس با تحلیل اقتصادی این دو نهاد، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۲.
- ۱۷- حسن زاده، رویا، بررسی شیوه های جبران خسارت ناشی از نقض قراردادها در حقوق ایران با رویکرد تحلیل اقتصادی، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۴.
- ۱۸- درویشی، فیروزه، خسارت های بدون جبران در مسئولیت مدنی و راهکار پوشش آن ها، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۵.
- ۱۹- کبیری، حمید، جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد در حقوق ایران و مقایسه آن با کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، ۱۳۷۷.
- ۲۰- نجفی تیرتاشی، مریم، شیوه جبران خسارت در حقوق ایران و بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین)، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۳.

- ۲۱- نوروزی نژاد، مریم، جبران خسارت ناشی از قرارداد باطل، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۶.
- ۲۲- یونسی، مائده، بررسی فقهی و حقوقی مبانی جبران خسارت ناشی از ضمان درک، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۵.